

اصول و مفاهیم صورتبندی (سلسله مراتب) استراتژی سیاست و دکترین دفاعی و استراتژی نظامی

صادق حیدر خانی

مدیر مسئول مجله علمی و پژوهشی بسیج

- مقدمه

امنیت ملی و تعیین سیاست دفاعی و استراتژی نظامی هر کشور به منابع بسیاری بستگی دارد؛ از مهمترین منابعی که می‌توان در این بین به آن اشاره کرد: دارائی، استعداد و توانائی آن کشور در سازماندهی و مرتب کردن مقدمات در یک الگوی به هم پیوسته و خردمندانه است.

سیاست دفاعی یک کشور هنگامی می‌تواند پویا و جامع باشد، که بر اساس اهداف ملی، درک محیط در حال تغییر (داخلی و بین‌المللی)، عوامل مؤثر بر استراتژی ملی، محدودیتها و عوامل مؤثر بر اهداف سیاست دفاعی، میزان هماهنگی توسعه و پیشرفت اقتصادی و ... تهیه و تنظیم گردد. در این مقاله و سلسله مقالات بعدی سعی فراوانی شده تا ضمن بررسی و ارائه یک نظام هماهنگ اولیه برای تعریف به‌تراصول و مفاهیم، یک صورتبندی (سلسله مراتب) استراتژی مناسبی را بمنظور تبیین «دفاع همه جانبه» بوجود آورد.

در متون فارسی^(۱)، واژه "استراتژی"^(۲) را به معانی "فن اداره عملیات جنگی"، "دانش رهبری عملیات نظامی" و "سوق الجیشی" بکار برده اند.

واژه استراتژی، مشتق از کلمه یونانی "استراتوس، Strategos" به معنی "لشگر" که خود از کلمات با پیشوند "استراتوس، Stratos" به معنی "ارتش" و کلمه "آگین، Agein" به معنای "فرماندهی کردن" و "رهبری کردن" می باشد، بنابراین معنی آن از نظر لغوی "فرماندهی لشگر" و یا "سرداری" می باشد.^(۳)

ترجمه فنی استراتژی "تدبیر (علم و فن) یا طراحی نقشه برای جنگ یا مقابله با تهدیدات، توأم با نیرنگ و خدعه و نقل و انتقالات نظامی" است.^(۴)

در چین باستان "سن تزو" به عنوان پدر استراتژی شناخته شده است، وی با نوشته های خود بنام "هنر جنگ" در حدود پانصد سال قبل از میلاد به این شهرت دست یافت.

"کلازویتز"^(۵)، بنیانگذار اصلی استراتژی در قرن نوزدهم "استراتژی" را "هنر کاربرد نبرد به عنوان وسیله دستیابی به اهداف جنگ" تعریف می کند. برداشت کلازویتز از استراتژی که بین وسیله و هدف جنگ رابطه عقلانی برقرار می کند در گفته مشهوری که می گوید: "جنگ چیزی جز ادامه سیاست با ابزار دیگر نیست"، منعکس می باشد. در واقع استراتژی از زمان کلازویتز به عنوان استراتژی مهم در اجرای سیاست و همچنین امنیت ملی شناخته شد.^(۶) مفهوم عام استراتژی امروزه دستخوش تحولات اساسی است، لکن آخرین تعریف از استراتژی را "سازماندهی و بکارگیری مؤثر منابع و امکانات و توان دفاعی در رسیدن به اهداف استراتژیک و عمده"^(۷) مطرح کرده اند.

۱- دکتر معین، محمد، فرهنگ فارسی - جلد ۱، صفحه ۲۶۴-۲۶۵

2 - Strategy

۳- علی بابائی، غلام رضا، فرهنگ علوم سیاسی، جلد ۱، چاپ دوم، ۱۳۶۹، صفحه ۴۲

۴- علی بابائی، همان منبع

5 - Von clausewitz

۶- نفقی عامری، ناصری، استراتژی در فرآیند تحول، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۴۳ و ۴۴، ص ۱۸

۷- رضائی - محسن - منابع قرارگاه طرح ریزی استراتژیک سپاه - سال ۱۳۷۰

- سطوح چهارگانه صورتبندی (سلسله مراتب) استراتژی

هر موضوع می تواند تابع یک رشته قواعد و مقررات و یک سلسله مراتب تعیین شده باشد. نظام (هرم) استراتژی یا عبارت ساده تر سلسله مراتب استراتژی نیز دارای تقدم و تاخیری است که در « نمودار شماره یک » در چهار سطح نشان داده شده است. هر یک از سطوح در درون خود، بر اساس یک رشته قواعد و مقررات دیگر با سلسله مراتب خاص، می توانند تحول یابند. برای آنکه سلسله مراتب استراتژی کار کرد مؤثری داشته باشد، تمامی سطوح آن باید به گونه ای کار آمد و سازنده با هم ارتباط داشته باشند. توازن متناسب و گهگاه ظریفی باید میان سطوح اول تا چهارم استراتژی برقرار باشد. از آنجا که سطوح استراتژی نقش های گوناگونی را انجام می دهند محتمل است که در یکدیگر تداخل پیدا کنند. اما به هر روی گاهی ضرورت دارد که سطح واحدی بر سطوح دیگر چیرگی داشته باشد و نفوذ چشمگیری را بر سطوح دیگر اعمال کند.

نظام صورتبندی استراتژی هر سطح را بر حسب میزان برخورداریشان از کیفیت، هویت و حیطة مطلوب، رتبه بندی کرده و آنها را در سطوح متناسب با وضعیتشان جامی دهد. هر یک از چهار سطح استراتژی در جهت منظور خاصی وجود داشته و منظورهای معین و مخصوصی را انجام می دهند.

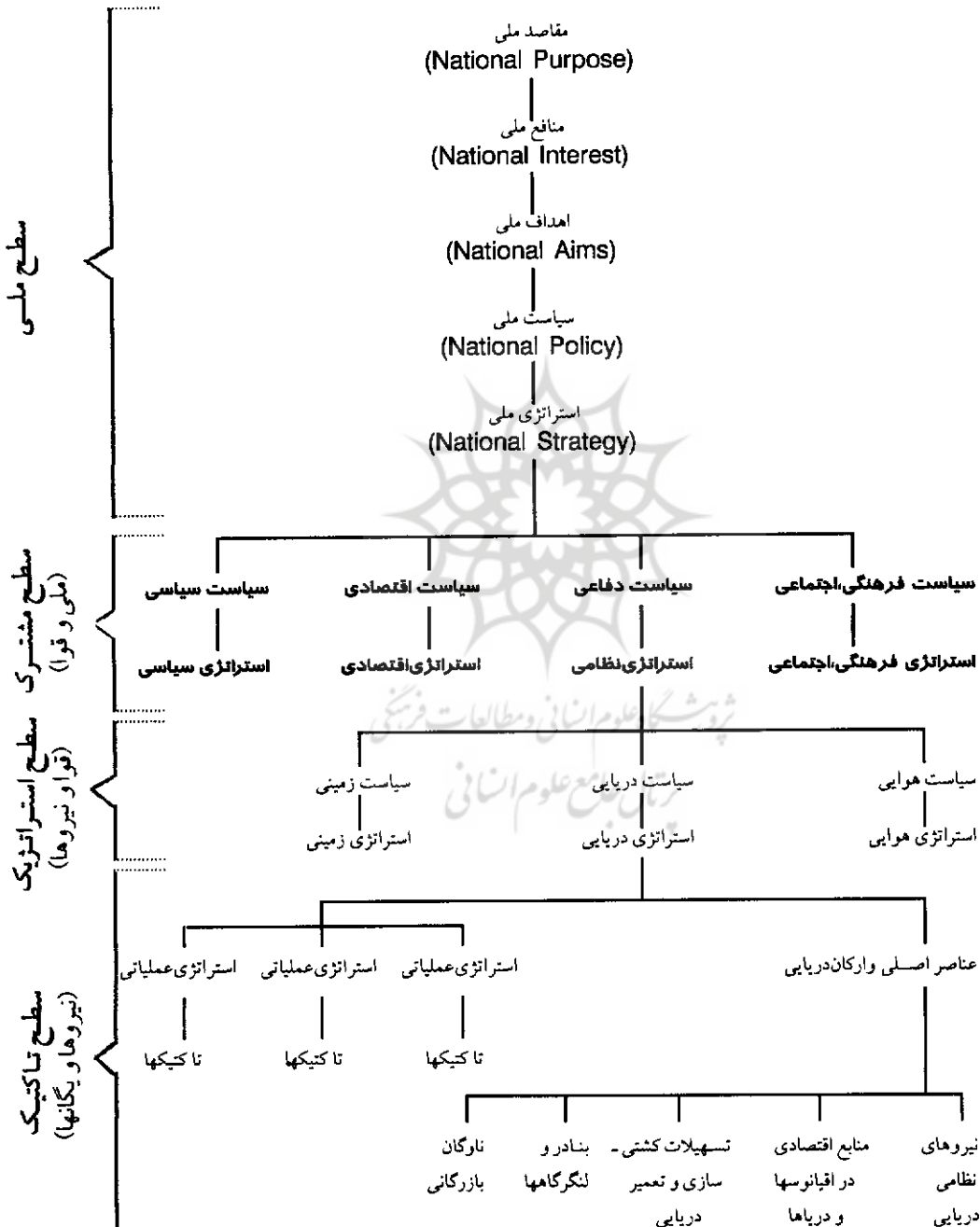
سطوح چهارگانه استراتژی عبارت است از:

سطح اول: سطح اول صورتبندی (سلسله مراتب) استراتژی را "سطح کلان" یا "سطح ملی" نام نهاده اند که بترتیب اولویت و اهمیت، شامل مجموعه ای بشرح زیر است:

- | | | |
|-----------------|---------------|------------------|
| الف - مقاصد ملی | ج - اهداف ملی | ه - استراتژی ملی |
| ب - منافع ملی | د - سیاست ملی | |

شایان ذکر است که قبل از پرداختن به سطح دوم بطور مختصر با مفاهیم هر یک از عناصر سطح اول آشنا می شویم:

نمودار صورتبندی (ترتیب توالی) استراتژی



- الف - مقاصد ملی (National Purpose)^(۱): عبارتست از، آنچه که عناصر اتخاذ تصمیم در یک حکومت آنها را از نظرسیانت با اهمیت تشخیص می دهند.^(۲)
- ب - منافع ملی (National Interest): هدفها و انگیزه های اصلی همه کشورها در صحنه سیاست خارجی و بعبارت دیگر، هدفهای اولیه و همیشگی کشور که در صدد حفظ و تحصیل آن در صحنه بین الملل هستند، را منافع ملی نام نهاده اند.^(۳) تعریف دیگر عبارتست از: مطلوب کلی و مداومی که در طی آن ملتی بخاطر آن فعالیت می کند.^(۴)
- ج - اهداف ملی (National Aims/objectives)^(۵): عبارتست از، تصویری از امور آینده و مجموعه شرایطی که کشور حاضر است در راه بدست آوردن

۱- آرمانهای ملی را هم ردیف یا بالاتر از مقاصد ملی دانسته و آنرا "مجموعه ارزشهایی که مردم یک کشور یا یک دولت خواستار دستیابی به آنها هستند" تعریف می کنند. (نظام طرح ریزی استراتژیک، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۸ ص ۲۵)

۲- افتخاری، قاسم، جزوه دانشکده حقوق و علوم سیاسی - دانشگاه تهران، نیمسال اول ۶۷-۶۶، ص ۱۰

۳- بهزادی - حمید، انتشارات دهخدا، چاپ دوم، زمستان ۱۳۶۸، صفحه ۹۷ و ۹۸

۴- از کلمات "منافع ملی"، "امنیت ملی" (National Security) و "منافع حیاتی" در مرادفات بین الملل بجای یکدیگر استفاده می شود و مقصود از هر سه اصطلاح؛ تحصیل، حفظ، بسط و نمایش ارزشهای داخلی از تهدیدات (بزرگ، همپراز، کوچک) خارجی است.

۵- مهمترین عوامل مؤثر برای انتخاب هدفهای ملی شامل: رهبری، ایدئولوژی، تاریخ گذشته و شرایط محیطی، پیشرفت تکنولوژی و اقتصادی، موقعیت جغرافیائی، ثبات سیاسی، هویت و حیطة اهداف، زمانبندی و توانائی تحصیل هدف و ... است. هدفهای ملی به شکل زیر تقسیم می شوند:

الف - هدفهای استراتژیک و دراز مدت: شامل استقرار حکومت حق (خدا)، جهاد و دفاع در راه خدا، پاسداری از انقلاب اسلامی و دست آوردهای آن و ...

ب - هدفهای حیاتی و اولیه: شامل حفظ امنیت داخلی، حفظ تمامیت ارضی، حفظ استقلال و حاکمیت کشور

ج - هدفهای متوسط: شامل تأمین احتیاجات عمومی، توسعه تکنولوژیکی، اقتصادی، فرهنگی و ...

آنها بکوشد. ^(۱) یا بعبارت دیگر هدفهای کلی، بنیادین و مشترک افراد یک کشور در راستای نیل به اهداف و منافع می باشد. (در شماره بعد مقاله ای پیرامون این قسمت ارائه خواهد شد).

د - سیاست ملی (National Policy) ^(۲): سیاست ملی را به طرق زیر توصیف نموده اند: الف) عبارتست از بررسی و تحقیق در باره روشها و هدفهای سیاستهای داخلی و بین المللی در صحنه بین المللی و سیاست خارجی، ب) و یا عبارتست از تجزیه و تحلیل رفتار و اعمال کشور و ارائه راه کار کلی معین برای رسیدن به هدفهای کلی، ج) و یا بعبارت ساده تر معنی سیاست ملی عبارتست از: خط و مشی های اساسی تحصیل منافع ملی و تغییر رفتار کشورها بنفع آن کشور در صحنه بین المللی. ^(۳) و بنابه اظهار محسن رضائی، ^(۴) سیاست عبارتست از "قیود و محدودیتها و یا مصالح که حاکم بر عمل باشد".

ه - استراتژی ملی (National Strategy)، علم و هنر بکارگیری کلیه امکانات کشور برای حفظ هویت در زمان جنگ و صلح، و یا، علم و هنر گزینش و بکارگیری قدرت ملی ^(۵) (قدرت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی ^(۶) و اقتصادی) کشور برای تحقق

1 - Organski , Op Cit , P 56

۲ - سیاست های داخلی و خارجی با توجه به روش ها و هدفهایی که تعقیب می کنند را می توان به چهار دسته تقسیم نمود:

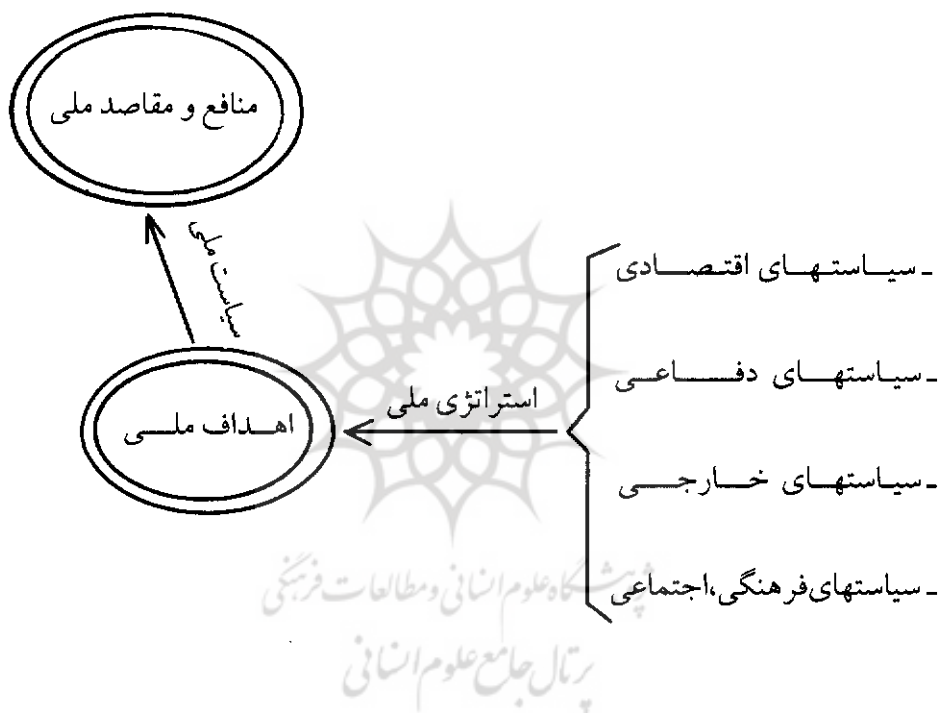
- الف - سیاست کسب قدرت
ب - سیاست حفظ قدرت
ج - سیاست افزایش (بسط) قدرت
د - سیاست نمایش قدرت

۳ - افتخاری، قاسم، جزوه دانشکده حقوق و علوم سیاسی - دانشگاه تهران، نیمسال اول ۶۷-۶۶، ص ۱۰

۴ - برادر رضایی، محسن - فرماندهی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، می باشند.

۵ - مجموعه ظرفیتهای یا نیروهای مادی و معنوی یک ملت برای نیل به هدفها و منافع ملی را "قدرت ملی" می گویند. وضع جمعیت و جغرافیا | « مطالعه نفوذ و اثر عوامل جغرافیائی در شکل گیری و تصمیمات سیاسی را ژئوپلیتیک Geopolitics یا سیاست جغرافیائی و علم و هنر ترکیب عوامل فیزیک

اهداف ملی و بعبارت ساده تر، چگونگی انتخاب و ترکیب استراتژی کلی برای هر قدرت و طرز هماهنگی آنها را استراتژی ملی نام نهاده اند. از بررسی تمام اجزاء سطح اول سلسله مراتب استراتژی و درک جایگاه هر یک در نظامی به هم پیوسته و مرتبط می توان شبکه ارتباطی آنها را مطابق فرم زیر نشان داد.



نمودار شماره دو

ب - سطح دوم: (سلسله مراتب) صورتبندی استراتژی، را "سطح مشترک"

۶- قدرت نظامی (دفاعی): عبارت از، قدرت (کیفی و کمی) تمامی نیروهای مسلح، توأم با سایر عناصر قدرت ملی می باشد.

ب - سطح دوم: (سلسله مراتب) صورتبندی استراتژی را "سطح مشترک" فی مابین سطح ملی و سطح قوا - نام نهاده اند. هر قدرت اعم از اقتصادی، سیاسی، دفاعی یا... در این سطح دارای دو بخش (۱) سیاست (۲) استراتژی می باشد. که بطور مثال در بعد دفاعی به شرح زیر است:

الف - سیاست دفاعی

ب - استراتژی دفاعی

سطح سوم: سطح سوم صورتبندی (سلسله مراتب) استراتژی را "سطح استراتژیک" نام نهاده اند. این سطح در بعد دفاعی به نیروهای مختلف شامل: هوایی، دریایی، زمینی و... تقسیم می شود که خود دارای دو بخش (۱) سیاست و (۲) استراتژی می باشد. بطور مثال برای نیروی دریایی به شرح زیر تقسیم شده است:

الف - سیاست دریایی

ب - استراتژی دریایی

سطح چهارم: سطح چهارم صورتبندی (سلسله مراتب) استراتژی را "سطح تاکتیک" نام نهاده اند، این سطح در بعد نیروی دریایی به دو بخش (۱) استراتژی عملیاتی (۲) عناصر اصلی و ارکان دریایی تقسیم می شود، که اجزاء آن بشرح زیر می باشند:

الف - استراتژی عملیاتی دریایی

ب - عناصر اصلی و ارکان دریایی

(۱) تاکتیکهای دریایی

(۲) منابع اقتصادی در اقیانوسها و دریاها

(۳) تسهیلات کشتی سازی و تعمیرات دریایی

(۴) بنادر و لنگرگاه ها

(۵) ناوگان دریایی

هدف مقاله حاضر، بررسی سطح دوم استراتژی یعنی "سیاست و دکترین دفاعی و استراتژی نظامی" است که بنام "سطح مشترک" معروف است. این سطح خود به دو بخش تقسیم می شود که عبارتند از:

(۱) سیاست دفاعی

(۲) استراتژی نظامی

بخش اول: سیاست دفاعی « Defence Policy »

وظیفه اصلی سیاست دفاعی، توسعه و تقویت کل توان و نیروهای بالقوه یک ملت برای حفظ امنیت ملی است. سیاست دفاعی، متشکل از یک سری اصول، قواعد و استانداردها برای توسعه توان جنگی بمنظور حفظ استقلال و اقتدار کشور از تهدیدات داخلی و خارجی است. ویل دورانت در کتاب خود بنام "درسهائی از تاریخ" می نویسد: «ملت‌ها خواهان امنیت هستند نه صلح، آنها صلحی را می‌خواهند که نتیجه امنیت باشد نه صلحی که به قیمت امنیت تمام شود. با توجه به ضعف موجود ناشی از احساسات و نقضی که در قوانین بین‌المللی وجود دارد، یک ملت باید در هر لحظه آمادگی دفاع از خود را داشته باشد و هنگامی که منافع خود را در خطر می‌بیند باید بتواند از هر وسیله‌ای که برای حفظ و بقای آن ضروری بنظر می‌رسد، استفاده کند».^(۱) یک ملت در جهت حفظ یکپارچه امنیت خود مشتاقانه به استقبال جنگ می‌رود و در صورت مصلحت به قبول مصالحه و آشتی تن می‌دهد. علیرغم آنکه، منافع ملی بسیار مهم و حیاتی هستند، لکن برای بهره‌برداری منطقی و یا غیر منطقی تنظیم شده و دنبال می‌شوند. غیر منطقی از این نظر که یک یا چند کشور برای حفظ برتری نژادی، ایدئولوژیکی، فرهنگی یا نفوذ بر دیگران و کسب منافع اتخاذ شده آنرا تعقیب می‌کنند.

سیاست امنیت ملی اصطلاحی جامع تر و حیظه‌ای وسیعتر از مقوله‌های سیاست دفاعی، اقتصادی و اجتماعی و سیاسی را شامل می‌شود؛ ولی سیاست دفاعی بیشتر به امور سیاسی - نظامی مربوط می‌شود. سیاست دفاعی در جهت توسعه و بکارگیری منافع نظامی ملل می‌باشد و عناصر توان ملی که به امنیت کشور منتهی می‌شود را هدایت می‌کند. این فعالیتها بطور کلی معمولاً شامل: توسعه، تقویت و بکارگیری قابلیت‌های (مادی و غیر مادی) نظامی است.

اساساً "سیاست دفاعی یک کار سیاسی است و در سطح سیاسی و بوسیله دولت تعیین و توسط یک مقام یا مرجع عالی تصویب می‌شود."^(۲) طراحان و برنامه ریزان سیاست

۱- رجوع شود به: ۱۹۹۰ - Armed Forces War Cours , National Defence College

۲- اصل یکصد و هفتاد و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، شهریور ۱۳۶۸، صفحه ۸۶

دفاعی باید از مقدمات واقعی (محسوس و غیر محسوس) و توانائی های نظامی آگاه باشند، و متقابلاً "استراتژیست های نظامی باید مقدمات و محدودیت های سیاست های دفاعی را در نظر داشته باشند. در مرحله تنظیم، ساخت و اجرا با تفکیک (کشیدن خط خد) فی مابین مشکلات و لاجرم تداخل های افقی و عمودی داخلی، سیاست دفاعی یک کشور تعیین می گردد.

بین سیاست داخلی، سیاست دفاعی و سیاست خارجی هیچ جدائی وجود ندارد، اساس حفظ هویت و امنیت براتحاد و تلفیق «فعالتهای محیط خارجی» و «داخلی» تأکید می کند. اکنون این دو عامل بسیار مهم را مورد بررسی قرار می دهیم.

الف) محیط بین الملل

تحولات تاریخی در قرن بیستم و بعد از جنگ جهانی دوم، موجب آن شد تا سیستم بین المللی بوسیله دو ابر قدرت رهبری شود. تأثیر آنها بر سیاست بین الملل بحدی بود که قدرتهای دیگر که سیاست جهانی را تشکیل می دادند از اهمیت بسیار کمی برخوردار بودند، آنها با درانحصار قرار دادن تکنولوژی هسته ای و تمرکز قدرت در خود، برای ابقاء برتری نظامی تلاش می کردند. هر چند پس از اتمام جنگ دوم جهانی، روند خارج شدن کشورها از استعمار (تحصیل استقلال توسط کشورهای آسیائی، آفریقائی) دنبال گردید، با این حال در آن زمان جمع این کشورها و کشورهای غیر متعهد خیلی کم بود؛ در صورتیکه در حال حاضر ۳۳ اعضای سازمان ملل را کشورهای جهان سوم و غیر متعهد تشکیل می دهند که با ظهور غولها و کارتهای اقتصادی و کشورهای تولید کننده نفت ابعاد تازه ای بر تعادل قدرت کشورها می افزایند. با اتمام جنگ سرد و کاهش نفوذ ابر قدرتها، قدرتهای منطقه ای ظاهر شده و خواستار تسلط بر منطقه تحت نفوذ خود بدون دخالت ابر قدرتها شدند. در این راستا تغییر بزرگ در بلوک سوسیالیست چین و بویژه شوروی شرایط دیگری را در صحنه بین الملل بوجود می آورد.

محیط بین الملل بعنوان یک منبع از فرصتهای مناسبی که یک کشور می تواند آنها را درک و بهره برداری نماید مطرح کرده و در عین حال بعنوان یک خطر و تهدید امنیتی می بایست از آن دوری کرد.

بررسی محیط ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی کشور، مناطق همکاری با کشورهای

همجوار منطقه و قدرتهای منطقه‌ای بمنظور نیل و حفظ تعادل قدرت را مشخص کرده و نسبت به موقعیت و میزان توان کشور در عرصه بین‌الملل، عملکرد عوامل واقعی (توانائی‌ها) و ذهنی (فرصتهای درک شده) را ارائه می‌دهد. منافع متناقض فی مابین کشورها، همسایه‌ها و منطقه، موجب بروز بحرانهای سیاسی، امنیتی و... می‌گردد و کشورهای نامطمئن از یکدیگر به علت احساس ناامنی تسلیحات بیشتری را خریداری می‌کنند، زیرا آنها را ابزاری برای کسب امنیت می‌دانند. توجه و تمرکز در سیاست امنیت ملی و دفاعی بر تهدیدات درک شده و همچنین درک فرصتهاستوار است. ابعاد مختلف ناامنی از جمله: ناامنی فیزیکی (طبیعی)، پیش‌بینی‌های غیر قابل اعتماد اقتصادی، ناپایداری سیاسی و... که ناشی از عمق طرز تفکر، اشتباه و درک غلط جناحهای سیاسی، و... است، حاصل می‌شود.

- یقیناً "محیط بین‌الملل برای هر کشور تحت تأثیر عوامل زیر می‌تواند مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته و بالطبع پاسخهای مناسب را کسب نماید.
- ۱- تعیین محدوده عمل سیاست جغرافیائی و ژئواستراتژیک.
 - ۲- ماهیت نوع تهدیدات (داخلی و خارجی) در ابعاد فرهنگی، نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره.
 - ۳- شناخت منابع تهدید و درک تهدید و آسیب‌پذیریهای کشور از وضع موجود.
 - ۴- دانستن نقش خود و فرصتهای پیش‌آمده در سیستم بین‌الملل (نقش خود در گذشته و آینده).
 - ۵- پیوستگی و همبستگی محیط.


ب- "محیط داخلی" Domestic Consideration

"محیط بین‌الملل" و "حق انتخاب"، ترکیب و ساخت اهداف ملی هر کشور را تسهیل می‌کنند. این انتخاب و تنظیم اهداف باید توسط بالاترین مقام یا مرجع عالی کشور تکمیل شوند. این امکان نیز هست که در اثر تغییر و تحولات بین‌المللی و ایجاد وضعیت جدید داخلی تصمیمات مذکور نیز دستخوش تغییر و یا تبدیل به اهداف جدید

شوند، این اهداف همچنین باید بر طبق قابلیت‌های ملی^(۱) و نیازمندی‌های داخلی هر کشور تعیین شوند.

- ملاحظات و عوامل موثر بر محیط داخلی :

در بررسی محیط داخلی، عوامل مؤثر معمولاً "ویژگی‌های گوناگونی دارند، ملاحظات و عوامل مؤثر بر محیط داخلی در چهارچوب یک جامعه چنان در هم تنیده‌اند که نه تنها با یکدیگر کنش متقابل دارند، بلکه به صورت‌های گوناگون به یکدیگر وابسته و مرتبطند. اما با این همه در انتخاب استراتژی ملی و سیاست دفاعی عوامل زیر ممکن است نفوذ قابل ملاحظه‌ای را داشته باشند.

- 
- الف) سیستم سیاسی
 - ب) سیستم دفاعی
 - ج) سیستم اقتصادی
 - د) وضعیت جغرافیایی
 - ه) نوع حکومت و اراده ملی
 - و) کیفیت سیاست خارجی
 - ز) سطح تکنولوژی و میزان توسعه و پیشرفت‌های اقتصادی
 - ح) توصیف آمار نفوس جامعه
 - ط) اعتقادات مذهبی و عمومی جامعه
 - ی) و سایر عوامل ...

- عوامل تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری‌های سیاست دفاعی دارای دو جنبه است :

۱- قابلیت‌های ملی مؤثر در ترکیب، ساخت و انجام اهداف امنیت ملی بشرح زیر می باشد:

- | | |
|---------------------------|-----------------------------------|
| الف - قابلیت‌های نظامی | د - قابلیت‌های سیاسی |
| ب - قابلیت‌های اقتصادی | ه - خصوصیات و کیفیت روحیات ملی |
| ج - قابلیت‌های تکنولوژیکی | و - کیفیت و قابلیت‌های حکومت داری |

۱) عواملی که تأثیرگذار بر انتخاب سیاست دفاعی هستند. این عوامل با توجه به حجم و نوع تهدیدات، محیط ژئواستراتژیک و نوع خط مشی های کلان تنظیمی و برای سایر سیاستهای ملی از جمله سیاست خارجی، دکترین دفاعی، تغییر و تحولات تاریخی و معاصر در منطقه و جهان، فرصتها و درک آن، سازمانهای بین المللی، احساسات و آرمانهای توده های مردم کشور، اندازه و ترکیب نیروهای مسلح کشور، گسترش (آمایش) جغرافیایی، توان بهره‌دهی واقعی بسیج همگانی، نوع و ماهیت جنگ آتی، مقدار آمادگی دفاعی، میزان آمادگی برای اجرای طرحها و نقشه های عملیاتی و... معین می شوند.

۲) جنبه دوم، عوامل مؤثر و تأثیر گذار بر ساختار و سازمان سیاست دفاعی هستند که در ابتدا به وسیله محیط داخلی تأثیر می پذیرند و شامل سئوالاتی پیرامون میزان و نحوه توزیع بودجه دفاعی، سیاستهای متخذه برای پرسنل نظامی، نوع و حجم تدارکات و لجستیک، نوع آرایش ساختار و سازمان تشکیلات دفاعی از جمله سیستمهای نظامی و ساختار و تشکیلات سازمانی عالی ترین مقام دفاعی و... می گردد.

هـ) گزینه های سیاست دفاعی

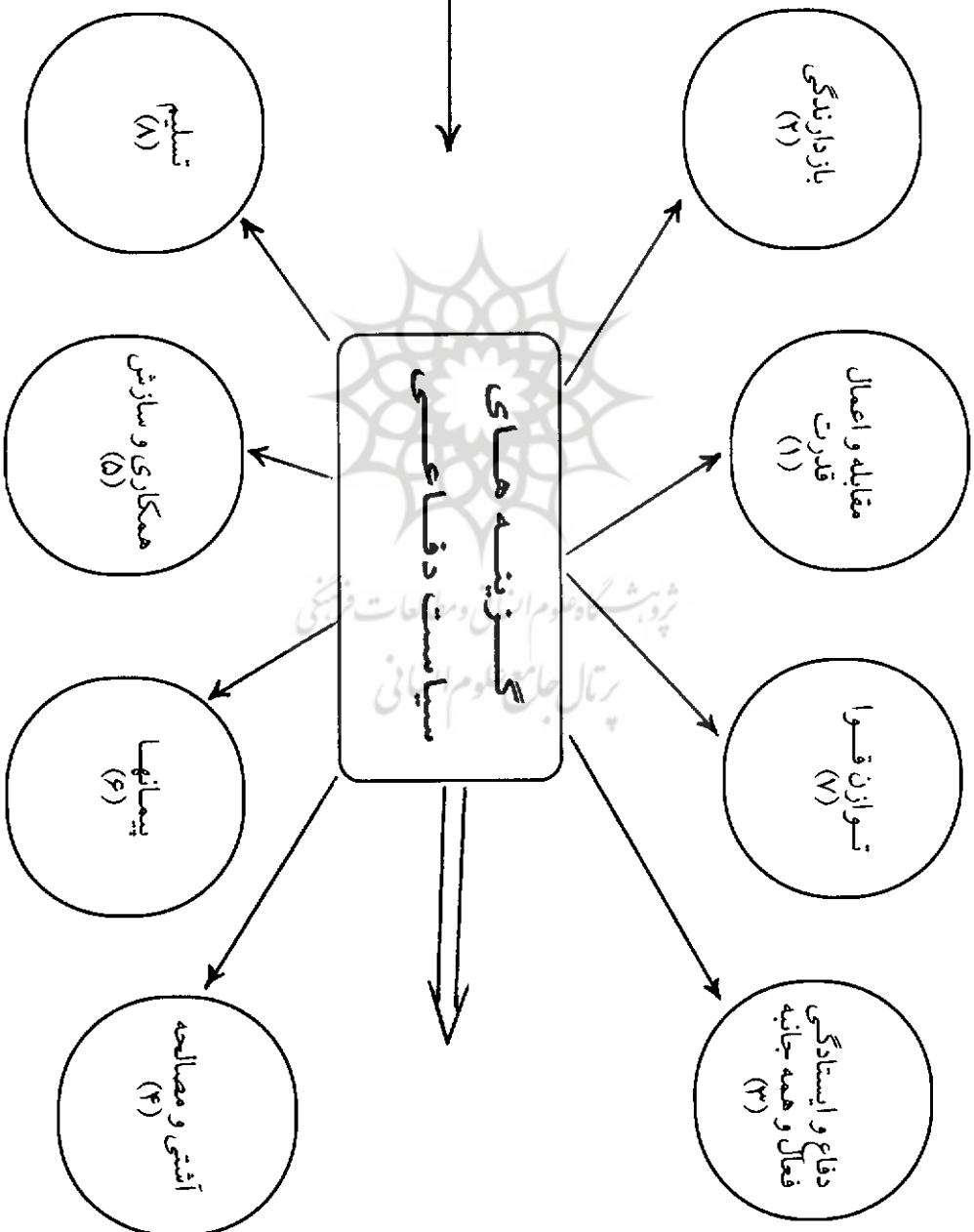
با فرض در دسترس بودن تمام شرایط انتخاب گزینه های سیاست دفاعی در محیط اطراف خودمان، می بایست با در نظر گرفتن این شرایط و ارزیابی تهدیدات بالقوه، گزینه مناسب را برای مقابله با تهدیدات هم سنج با تواناییهای کشور معین را انتخاب نمود.

طیف انتخاب گزینه ها می تواند از حداکثر مقاومت و مقابله^(۱) تا حداقل مقاومت یا تسلیم سریع، متغیر باشد.

طیف گزینه هایی که می تواند مورد نظر قرار گیرد؛ در نمودار شماره (۳) توصیف شده است.
 ۱) مقابله (Confrontation):

این حالت می تواند با بکارگیری امکانات نظامی و بسیج همگانی در نیل به اهداف ملی

پس از بررسی و
تجزیه و تحلیل تمام
عوامل تاثیرگذار
(تغییر و تحولات
منطقه و جهان)
بر تدوین سیاست
دفاعی.



گزینه‌های سیاست دفاعی

تحقق یابد. انتخاب این گزینه مستلزم تواناییهای نظامی طرفین و درک شرایط (قبل، حین و بعد) از تعویق و عقب انداختن اهداف اجتماعی - اقتصادی و قصد و نیت دشمن فرضی باشد.

(۲) بازدارندگی Deterrence^(۱)

این گزینه را که اصطلاحاً «بازدارندگی دفاعی» می‌گویند، عبارت است از: «بازداشتن دشمن از انتخاب و انجام عملیات نظامی بطوریکه با یک چشم انداز نسبت به بهره آن از قبول ریسک و ناامیدی از کسب اهداف مورد نظر را قبول نماید». بازدارندگی ممکن است عقیم بماند، زیرا طرفین از آنچه که خسارت مهلک و غیر قابل تحمل را ایجاد نماید؛ تصورات مختلفی دارند. همچنین اگر حمله کننده حاضر به پرداخت هزینه‌ای گردد که مدافع آنرا بسیار زیاد برآورد کرده باشد، بازدارندگی بر اهداف دشمن متمرکز می‌گردد. بنابراین انتخاب گزینه بازدارندگی از نظر روانشناختی بسیار حائز اهمیت است.

اگر بازدارندگی توسط توانایی هسته‌ای حمایت شود، اعتبار بیشتری به آن می‌دهد چون تاکنون دوکشوری که دارای تسلیحات هسته‌ای بوده‌اند درگیر جنگ نشده‌اند، با این وصف بازدارندگی احتیاج به آمادگی لازم نظامی دارد. بازدارندگی در حقیقت یک نوع مقابله به مثل است و نیاز به اتحاد، پایداری، اراده ملی و حمایت اقتصادی فراوانی دارد.

(۳) دفاع " Defence "

دفاع، عبارت است از: کاهش خسارت و تهدیدات موردانتظار در هنگامی که بازدارندگی با شکست مواجه گردد. دفاع موجب کاهش توانایی و خسارت دشمن شده و ممکن است ما را از آزادی حق انتخاب محروم کند، در این وضعیت ارزش نیروهای نظامی در این است که پیامدهای دور از انتظار را کاهش داده و شرایط ممکن را در این راه فراهم نماید. خواه این عمل باز دست دادن سرزمین و خواه با قبول انهدام تجهیزات و نفرات نظامی صورت گیرد.

اصولاً "هدف بازدارندگی تحقق اهداف در زمان صلح است. حال آنکه ارزش و هدف دفاع تحقق اهداف قابل قبول در زمان جنگ می باشد. بین انتخاب گزینه بازدارندگی، و گزینه عقب نشینی (تسلیم) بعضی از کشورها سیاست سازش (با مقتضیات محیط) را انتخاب می کنند و بعضی دیگر از کشورها گزینه های دیگر را انتخاب می کنند.

(۴) آشتی و مصالحه " Reconciliation And Compromise "

آشتی و مصالحه، بدین معنی است که کشور حریت و استقلال خود را حفظ کرده و مصالحه را در موارد کم اهمیت قبول کند و یا در بعضی مواقع به صورت کوتاه مدت مواردی از منافع حیاتی و مهم را به منظور به حالت طبیعی برگرداندن روابط فی ما بین و غلبه بر زمان (بطور موقتی) به فراموشی بسپارند، اگر صحنه و اوضاع داخلی و متحدان خارجی به این انتخاب هماهنگ باشند و توانائی نظامی در سطح معقولی نباشد، به هیچ وجه نمی توان دشمنی را به قبول سیاست مصالحه متقاعد کرد، زیرا آن مصالحه از روی ضعف و مصلحت بوده و لذا، این مصالحه مؤثر و کارساز نیست.

(۵) همکاری و سازش " Cooperation And Accomodation "

در این حالت این گزینه پائین تر از آشتی و مصالحه و بالاتر از تسلیم است، به این صورت که یک طرف برای حفظ و نگهداری چیزی که از طرف آن تهدید می شود، امتیازاتی را جهت حفظ وضع موجود و جلوگیری از توسعه خطرات و به منظور بازدارندگی دفاعی یا تسلیم کامل قبول می کند که آن را "سازش" می گویند. شرائط حاکم بر این گزینه انتخابی، بستگی مستقیم به قدرت و ضعف موجود دارد، که از سه حال خارج نیست:

حالت اول: سازش کننده قویتر از سازش شونده باشد.

حالت دوم: سازش کننده ضعیف تر از سازش شونده باشد.

حالت سوم: سازش کننده نه قویتر و نه ضعیف تر از سازش شونده باشد.

(۶) پیمانها

پیمانهای نظامی توسط چند کشور شکل می گیرد و شرکت کنندگان در آن استقلال

چندانی ندارند زیرا اختیارات به صورت نسبی و تلفیقی، توسط ابرقدرت حاکم رقم زده می شود. پیمانها، ابزاری هستند که به وسیله آنها کشورهای عضو تلاش می کنند تا بحران امنیتی خود را کاهش دهند. در حالتی آن کشور منافع حیاتی خود را تسلیم ابرقدرت برتر یا قدرتهای منطقه‌ای کرده است که در عین حال ممکن است این انتخاب رشد و ترقی، تلقی گردد.

(۷) توازن قوا " Balance Of Power "

در یک حالت، صلح با توازن نیروهای نظامی دو کشور متخاصم امکان پذیر است. تصور توازن قوا بین دو کشور با تواناییهای نابرابر کار بسیار سخت و مشکلی است، زیرا کشور ضعیف تر باید بطور مداوم با انجام مانورها، شرکت در پیمانها، توسعه روابط خارجی (درک فرصتهای پیش آمده در محیط) توازن قدرت خود را بهبود بخشد.

یقیناً تحقق سیاست دفاعی انتخابی مستلزم ارزیابی دائمی است، سیاست دفاعی هنگامی می تواند، پویا و جامع باشد که در ارتباط با مسائل بالاتر یعنی اهداف استراتژیک و پائین تر دکتین دفاعی و استراتژی نظامی بوده و همچنین پاسخگوی محیط در حال تغییر، موقعیت داخلی و متناسب با ساختار سازمان نیروهای جذب شده و اندازه تواناییهای نظامی باشد.

فاصله سیاست دفاعی و سیاست خارجی به حدی کاهش یافته که ممکن است در یکدیگر ادغام شوند که در آن صورت بر میزان تردیدها و ابهامات افزوده می شود. حداکثر استفاده از تواناییهای بالقوه و سازماندهی شده (پای کار) با همکاری و اتحاد بیشتر تمامی حرکتها و تلاشها توأم با توان دیپلماتیک و سیاسی امکان پذیر است. حجم مانورهای دیپلماتیک و سیاسی در صحنه بین الملل به میزان آمادگی استفاده بدیع از نیروهای نظامی در نیل به اهداف سیاست دفاعی وابسته و متکی است.

هر چند که سیاست خارجی سهم عمده‌ای در ماهیت و نوع سیاست دفاعی دارد، ولی محیط داخلی (پیوستگی وحدت رویه، میزان آمادگی، ثبات سیاسی - امنیتی، مسائل اجتماعی و...) نیز اغلب تأثیر زیادی در نتیجه جنگ دارند. (مثل شرایط فعلی امریکا در موگادیشو سال ۱۳۷۲).

اگر سیاست دفاعی بتواند ریشه در قلب و فکر ملت بدواند، امکان بیشتری در راه

رسیدن به موفقیت دارد. در طول تاریخ بین تخصیص منابع برای مسائل دفاع از یک طرف و توسعه و پیشرفت اقتصادی از طرف دیگر یک دوراهی وجود دارد و تنها راه حل آن ادغام این دو با هم است. بدین صورت که توان دفاعی می بایست توسط منابع اقتصادی حمایت و از طرف دیگر سیستم دفاعی باید با توانائی اقتصادی کشور هماهنگ و همگام باشد.

- محدودیتهای اتخاذ تصمیم‌گیری و انتخاب گزینه های سیاست دفاعی :

در حالی که استفاده کنندگان سیاست دفاعی ممکن است که دگرگونی در تکنولوژی را به آسانی بپذیرند، لکن کمتر احتمال دارد که ناهماهنگی و واپس ماندگی سیاستهای نظام خود را تعدیل کنند. لذا از ما انتظار دارند، شیوه بررسی را جامع و مانع، تنظیم و ارائه داده و از تعارض ها و تناقض ها اجتناب و در هنگام ایفای آن به گونه ای مرتبط و بهم پیوسته در تماس باشیم. لذا موانع و محدودیتهای در کنار توانائیها و مقدرات (بشرح زیر) می بایست مورد توجه قرار گیرند.

- ۱) محدودیتهای بودجه ای و اقتصادی
- ۲) محدودیتهای مخالفت کشورهای دیگر
- ۳) عدم کفایت تکنولوژی
- ۴) محدودیت و عدم وحدت رویه برای بسیج همگانی
- ۵) سیستم تسلیحات (تولید جنگ افزارها، لوازم یدکی، قابلیت های لجستیکی و...)
- ۶) مخالفت و فرصت طلبی افراد سود جو
- ۷) محدودیتهای فشارهای ابر قدرتها در سایه سازماندهی و بسیج جامعه بین الملل
- ۸) نقش ها و ترکیب سیستم هدایت و رهبری نظامی
- ۹) عقاید عمومی
- ۱۰) نیاز مندیهای مردم
- ۱۱) میزان ثبات و قدرت ملی
- ۱۲) منابع و نحوه جمع آوری و تکمیل اطلاعات زنده (نه سوخته)

-اهداف سیاست دفاعی - نظامی

اگرچه گزینه های سیاست دفاعی در سطح ملی اتخاذ میشوند لکن گزینه های نظامی برای نیل به اهداف سیاست دفاعی نظامی مشخص می شوند و از همین طریق است که میزان اختصاص بودجه و منافع توسط دولتمردان و سایر منابع ملی را برای ساختار نیروهای مسلح تعیین و یا واگذار می کنند.

کشوری که از گزینه مقابله و اعمال قدرت پیروی می کند برای هدایت سیاست تهاجم در مقابل دشمن احتیاج به قدرت و توانائی قابل ملاحظه و استراتژی نظامی تهاجمی دارد. از طرف دیگر یک استراتژی عملیاتی هم ردیف آن انتخاب و شکل می گیرد. در اینحال این گزینه و سایر گزینه هابراساس شرائط و محیط خارجی و داخلی و نتایج حاصله از یکایک مراحل تنظیم سیاست دفاعی و باتعقیب و درک همه جانبه محیط و تهدیدات ، یافتن پاسخ مناسب و ممکن به تهدید دشمن در پایان انتخاب و با تامین نیاز مندیهای مختلف و از جمله نیاز مندیهای نظامی توأم و تصمیم گیری می شود.

مراحل تنظیم و انتخاب سیاست دفاعی بطور خلاصه عبارتند از:

فردی که می خواهد در تنظیم سیاستگذاری و استراتژی نقشی داشته باشد باید در تمام مراحل انتخاب سیاست و استراتژی ، توانائی تنظیم مسائل مرتبط به این هدفها را به عهده بگیرد و از ایجاد شکاف و ناهمگونی در داخل یکایک گامها و مراحل ، جلوگیری و هماهنگی لازم را برای دستیابی به هدفهای کشور و مقاصد ملی را اساس کارش قرار دهد و تصمیم گیریش مبتنی بر یک سیر منطقی باشد .

(۱) بررسی دقیق فرضیات اساسی .

(۲) ارزشیابی و آگاهی از تهدیدات .

(۳) تلاش جهت یافتن پاسخ ممکن و انتخاب گزینه مناسب برای دکترین

دفاعی - نظامی .

(۴) تنظیم اصول و قواعد اساسی رزم و دفاع (متناسب با شرایط و تجارب) .

(۵) انتخاب مناسب نوع استراتژی نظامی .

(۶) سیستم نظامی و ساختار و سازمان نیروها و پرسنل .

- (۷) نحوه هماهنگی با سایر قدرتهای ملی .
 (۸) تنظیم بودجه و تولید صحیح صنایع نظامی .
 (۹) بسیج همگانی .

(۱۰) آمادگی فرماندهان و سازمان هدایت کننده صحنه های نبرد .

(۱۱) نحوه حمایت دولت و سیستم و قوانین اداری از سیاست انتخابی .

گزینه هایی که در مورد آنها بحث شد در قلمرو طیف سیاسی قرار می گیرند و برای دستیابی به بعضی از آنها باید از طریق سیاست خارجی و در سطح بین المللی با شدت بیشتری دنبال شوند . معهدا انتخاب هر یک از گزینه ها از جمله : مقابله آشتی ، مصالحه ، همکاری و سازش و تسلیم ، تأثیر مستقیمی بر قدرت ، حاکمیت کشور و ساختار نیروهای مسلح و اهداف از قبل تعیین شده خواهد گذاشت .

بخش اول (۲) - دکترین دفاعی - نظامی (۱)

جوهره اصلی ، تهیه و تنظیم انواع دکترینهای دفاعی - نظامی باید برای نیل به اهداف سیاست دفاعی باشد. بنابراین استراتژی نظامی نیز باید با هماهنگی دکترین دفاعی کشور تنظیم گردد .

یک دکترین نظامی اسکلت یک تئوری است و محیطی که در آن نیروهای مسلح باید عمل کنند توصیف کرده و روش و شرایط خاص بکارگیری آن را مقرر میدارد . هدف اصلی دکترین نظامی ، "به حداکثر رساندن تواناییهای نظامی کشور در حمایت از اهداف ملی" است .

دکترین دفاعی - نظامی بر اساس تئوریهای مناسب و قیاس آن با نفوذهای خارجی در یک تجسم عملیاتی از جنگ های آینده بدست می آید ، این تجسم منجر به تشکیل اصول و مفاهیم دکترین دفاعی - نظامی می شود که برای آمادگی نبرد (دفاع) مورد استفاده قرار می گیرد . بنابراین ، دکترین نظامی در دو سطح استراتژی ملی و پائین تر تعریف دارد ، در سطح استراتژی ملی دکترین نظامی بستگی به هماهنگ کردن سهم هر

یک از مقدرات دیپلماتیک، اقتصادی، سیاسی، اوضاع روانی - اجتماعی و سیاست ملی دارد. لاکن در سطح پائین تربستگی به هماهنگ کردن سهم یکایک یگانهای عمده نیروهای مسلح و اصول اساسی رزم و فرهنگ علمی - آموزشی بکارگرفته شده در نیروهای نظامی و میزان فعالیت برای آمادگی رزمی در حمایت از اهداف سیاست دفاعی دارد.

دکترین دفاعی - نظامی می تواند به یکی از حالت‌های زیر مربوط و منتشر گردد

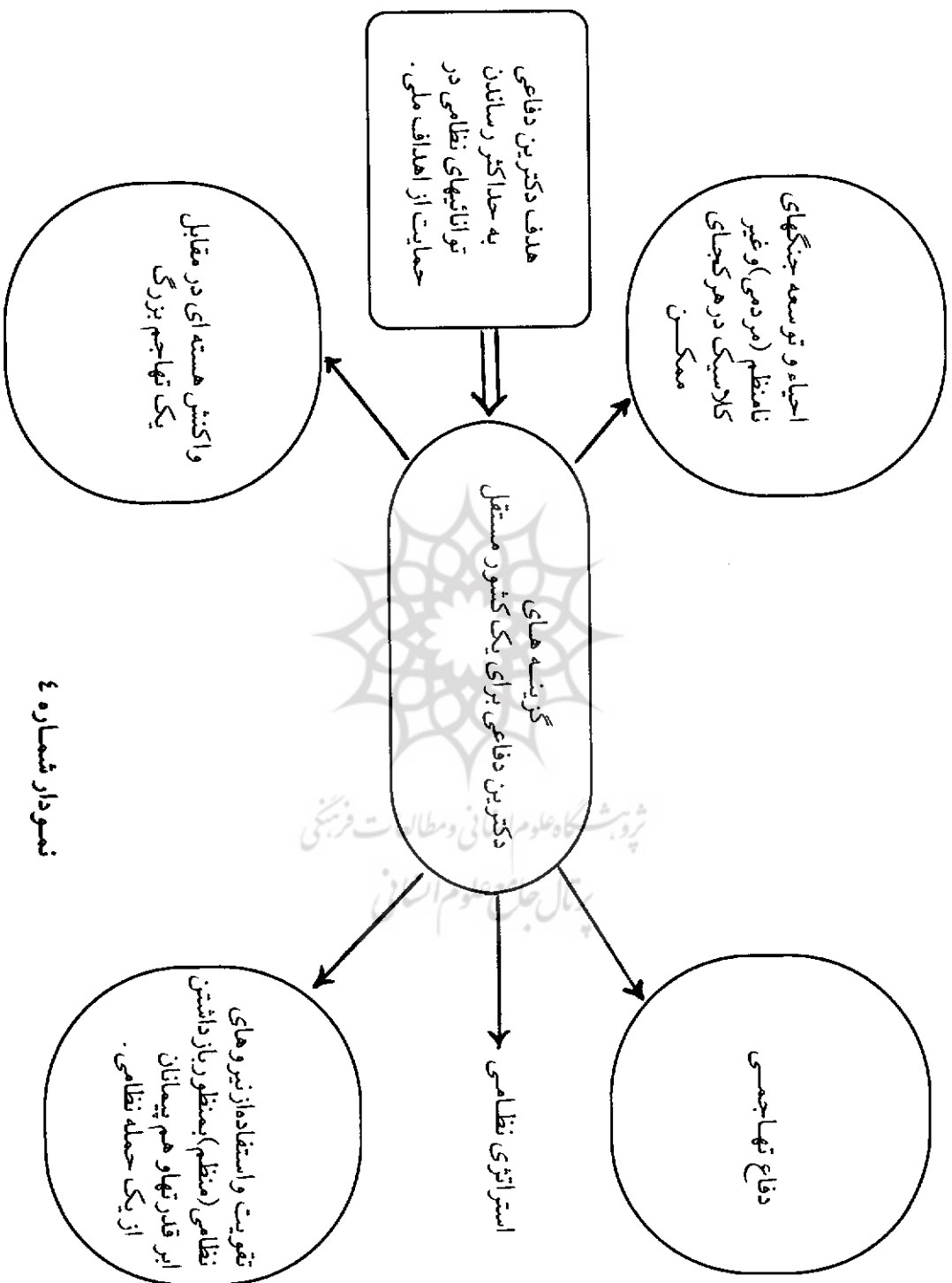
- ۱) استفاده قانونی از ابزار نظامی
- ۲) استفاده از تسلیحات هسته ای
- ۳) استفاده از جنگ افزارهای غیر معمول (شیمیایی و ...)

طیف گزینه های دکترین که می تواند مورد نظر قرار گیرد: (به نمودار شماره چهار مراجعه کنید)

- گزینه یکم) دفاع تهاجمی
- گزینه دوم) احیا و توسعه جنگ‌های نامنظم (مردمی) و غیر کلاسیک در هر کجای ممکن
- گزینه سوم) تقویت و استفاده از نیروهای منظم به عنوان فرصتی مناسب در بازداشتن دشمن و جلب توجه جامعه جهانی
- گزینه چهارم) واکنش هسته ای نسبت به تهاجم بزرگ
- و ...

امنیت ملی به بسیاری از منابع (انسانی، طبیعی، سیاسی، تکنولوژی و ...) بستگی دارد، در بین این منابع مهمترین دارایی یک کشور در تمرکز توانائیهای او برای سازماندهی و مرتب کردن آنها در یک الگوی بهم پیوسته و خردمندانه است. درک شرایط و ساختار داخلی کشور تأثیر مستقیمی در هویت و حیطة^(۱) تصمیم‌گیری

۱ - طوسی، علی - منابع قرارگاه طرح ریزی استراتژیک سپاه - هویت و حیطة را با دو دیدگاه اینطور



نمودار شماره ۴

مسائل سیاست دفاعی، استراتژی نظامی و امنیتی دارد.

بخش دوم - استراتژی نظامی (۱)

استراتژی نظامی منطبق و هماهنگ با خط مشی ها، دکترینها و سیاست دفاعی تهیه و تنظیم می شود. پیشنهاد استراتژی نظامی مهمترین وظیفه تشکیلات نظامی است که در هر کشور باید توسط رئیس ستاد کل نیروهای مسلح تنظیم، تکمیل و پیشنهاد گردد. استراتژی نظامی می بایست شامل کلیه نیروهای نظامی (هوایی، دریایی، زمینی و به ویژه بسیج همگانی) که به صورت یک مجموعه مرتبط به هم فرض شوند، ارائه گردد. استراتژی نظامی دارای دو جنبه طرح زیر می باشد:

جنبه اول؛ نحوه توسعه نیروهای مسلح
جنبه دوم؛ هدایت، تأمین و توزیع ادوات نظامی برای رسیدن به اهدافی که استراتژی ملی آنها را تعیین کرده است.

استراتژی نظامی باید تابع محض سیاست دفاعی و استراتژی ملی باشد. حتی در زمانی که صحنه های نبرد فعال و ابزار نظامی مورد استفاده قرار می گیرد. در حقیقت استراتژی نظامی باید در جایی که مانور دیپلماتیک و سیاسی باعث تسلط بر دشمن می شود هماهنگ با آن عمل کند استراتژی نظامی راه رسیدن به یک نتیجه مطلوب را

(ادامه از صفحه قبل) مطرح می نمایند:

دیدگاه اول: زمانی که هویت "مکتبی" و "حیطه" جهان باشد، سیاست دفاعی بر اساس مقدرات و منافع عظیم انسانی امت مسلمان شکل گرفته و هسته های مقاومت حزب... در سراسر جهان در آمادگی کامل دفاعی و به منظور باز داشتن و واکنش در مقابل آمریکا و هم پیمانان از یک حمله نظامی به منافع جهان اسلام قادر به پاسخگویی است.

دیدگاه دوم: در حالی است که هویت "ملی" و "حیطه آن" کشور باشد. سیاست دفاعی محدود به مقدرات و امکانات داخلی و امکانات خارجی متکی گردیده و نتیجه نهائی آنرا قبول شرایط دشمنی (با توجه به توانائی سیاسی، تکنولوژیکی و ...) و سازش می دانند.

۱- در شماره های آینده مجله این مبحث بطور کامل مورد بررسی قرار خواهد گرفت: Military Strategy

تسهیل و مدت و شدت جنگ را کاهش می دهد.
 تأکید مجددی که در ضرورت ارتباط نزدیک مابین سطح اول و دوم صورتبندی
 (سلسله مراتب) استراتژی وجود دارد، در مورد ارتباط نزدیک و بهم پیوسته بین
 سیاست دفاعی و استراتژی نظامی نیز صادق است.

متغیرهای مؤثر بر تنظیم و انتخاب استراتژی نظامی :

- الف) ارزیابی تهدیدات داخلی، خارجی.
- ب) اهداف و استراتژی دشمن.
- ج) ماهیت و منطقه جنگ های آینده.
- د) درک و تعیین خطرات فرعی و اصلی زمینی، هوایی و دریایی.
- ه) نحوه پراکندگی نیروهای نظامی.
- و) وظایف و قابلیت‌های نیروهای مسلح.
- ز) اهداف و استراتژی عملیاتی نیروها.
- ح) تاکتیک‌های یگان‌های عمده.
- ط) ساختار و سازمان برای هدایت کنندگان صحنه های نبرد.
- ی) مایحتاج و حمایت‌های لجستیکی.
- ک) نحوه توسعه سریع نیروهای مسلح.
- ل) نیروهای مردمی (بسیج).
- م) تهیه و تولید تجهیزات و سیستم تسلیحات.
- ن) میزان تخصیص بودجه دفاعی.

- جمع‌بندی و پیشنهادات

- ۱) ایجاد شرایط لازم و امکان ارتباط نزدیک بین تمام مراحل تهیه و تنظیم سطوح استراتژی بویژه فی مابین سیاست دفاعی و استراتژی نظامی بر اساس شرایط محیط داخلی و بین الملل، توان و مقدرات نظامی و اهداف و منافع کشور.
- ۲) ضرورت بررسی و درک مداوم تهدیدات در تمامی ابعاد خارجی، داخلی،

کوتاه مدت، بلند مدت، سیاسی، نظامی، ایدئولوژیکی، اقتصادی و....

۳) انتخاب گزینه مناسب سیاست دفاعی با توجه به قابلیتها، منابع و محیط داخلی و بین المللی به منظور رسیدن به اهداف ملی

۴) تنظیم یک سیستم نظامی آماده، پایدار، کارآمد، پویا و جامع

۵) تقویت ساختار و سازمان عوامل هدایت کنندگان صحنه های نبرد با حفظ آمادگی مداوم رزمی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی